

## تحلیلی بر بازتاب اصلاحات غازانی در روند بازسازی مراکز شهری ایران (۷۰۳-۶۹۴ هجری)

دکتر فریدون اللهیاری\*

### چکیده

تهاجم تاریخی مغول در فاصله سالهای ۶۱۶ تا ۶۱۹ هـ. با ویرانی و کشتار گسترده‌ای در کانونهای مدنی ایران همراه بود. با نشستن غبار فتنه مغول زندگی بر ویرانه‌های شهرها و روستاهای ایران در شرایط بسیار دشواری ادامه یافت. با وجود این به سبب کشمکش‌های نظامی و لشکرکشی مغولان در ایران دامنه ویرانی‌ها روزافزون بود. اگرچه با تشکیل حکومت ایلخانی چشم‌انداز تازه‌ای برای بازسازی مراکز شهری ایران پدید آمد، اما بی‌ثباتی اوضاع کشور و تفاوتها و تعارضات قوم غالب و جامعه مغلوب مانع شکل‌گیری جریان سازندگی و فراگیری آن بود. روی کار آمدن «غازان»، سلطان مسلمان تحول ویژه‌ای را در حکومت ایلخانی و مناسبات آن با جامعه ایرانی نمودار ساخت. اهتمام غازان به اصلاحات پردامنه اجتماعی، سیاسی، اداری، اقتصادی و حقوقی زمینه تازه‌ای را در دوره ایلخانی به وجود آورد. مهمترین پیامد این رویداد مهم تاریخی تغییر نگرش فرمانروایان مغول ایران، نسبت به رعیت و مشارکت جامعه ایرانی در سازندگی بود. فراگیری سازندگی در دوران سلطنت غازان موجب تحولی مهم

\* - استادیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان.

در اوضاع شهرهای ایران شد. در کنار نقش رعیت در سازندگی، اقدامات گسترده‌ی غازان در بازسازی شهرها و احیای زیرساخت اقتصاد کشاورزی و بازرگانی موجب رونق پاره‌ای شهرهای مهم دوره‌ی ایلخانی در آذربایجان، عراق عرب، فارس و اران شد. مقاله حاضر به بررسی اهمیت اصلاحات غازانی و نسبت آن با سازندگی در ایران می‌پردازد و ضمن تحقیق درباره‌ی دامنه‌ی سازندگی در قلمرو ایلخانی اقدامات مهم عمرانی غازان را تبیین می‌کند.

### واژه‌های کلیدی

ایلخانان، اصلاحات، غازان، سازندگی، بازسازی، شهر و شهرنشینی، عمران، نجبگان ایرانی، رشیدالدین فضل‌الله همدانی، فراگیری سازندگی، صحراگردی، یکجانشینی، مشارکت عمومی.

### مقدمه

یورش ویرانگر مغول در دهه‌ی دوم سده‌ی هفتم هجری ضربه‌ای هولناک بر زندگی شهری و شهرنشینی در ایران وارد ساخت. کانون‌های مهم مدنی ایران دستخوش ویرانی و کشتار گسترده‌ای گشت و فعالیت‌های اقتصادی جوامع شهری که به‌سان شبکه‌ای پیوسته بود از رونق افتاد. اگر چه غبار هجوم آغازین مغول پس از بازگشت چنگیز به ایران فرونشست، اما کشمکش‌های مغولان و کانون‌های مقاومت داخلی در ایران و پیگیری اهداف مهم امپراتوری جهانی مغول در غرب موجب ادامه‌ی ویرانی و کشتار تا تشکیل حکومت ایلخانی شد. با وجود برخی گزارشها درباره‌ی گرایش اوگتای جانشین چنگیز به سازندگی و تکاپوی پاره‌ای عناصر ایرانی، در فاصله‌ی هجوم اولیه‌ی مغول تا تشکیل حکومت ایلخانی، زندگی شهری و سازندگی در ایران دچار رکود و ایستایی شد. به قول دونالد ویلبر بین سالهای ۱۲۲۰ تا ۱۲۷۰ میلادی برابر با ۶۱۶ تا ۶۵۶ هجری قمری تقریباً هیچ ساختمان مهمی در ایران بنا نشد و یا اثری که بتوان به آن دوره نسبت داد باقی نمانده است. فارس و کرمان که به سبب پذیرش ایلی اوگتای قآن از ویرانی مصون ماند نیز تابع چنین شرایطی بود (۲۰/ص ۴). تشکیل حکومت ایلخانی آرامش و امنیتی نسبی بر قلمرو یکپارچه‌ی ایران حکمفرما ساخت. از این‌رو شهرنشینی و سازندگی در ایران چشم‌انداز تازه‌ای یافت.

در دوره ایلخانی هلاکو (۶۶۳-۶۵۶ ه.ق) و اباقا (۶۸۰-۶۶۳ ه.ق) در سایه گرایش ایشان به سازندگی و تکاپوی جدی عناصر ایرانی به‌ویژه خاندان جوینی و خواجه نصیرالدین طوسی، روزه‌های امیدبخشی برای سازندگی و رونق دوباره حیات شهری در ایران پدید آمد. اما پس از مرگ اباقا در فاصله سالهای (۶۸۰ تا ۶۹۴ ه.ق) به سبب تشدید کشمکش‌های درونی و رقابت‌های ویرانگر شاهزادگان و امرای مغولی در ایران نه‌تنها فرصتی برای سازندگی پدید نیامد، بلکه بر دامنه ویرانی‌ها نیز افزوده شد. با روی کار آمدن غازان سلطان مسلمان (۷۰۳-۶۹۴ ه.ق) نقطه عطفی در تاریخ ایلخانی نمودار شد و در پرتو اصلاحات غازی جریانی فراگیر در سازندگی آغاز شد. مقاله حاضر بر پایه طرحی پژوهشی درباره شهرهای ایران در دوره ایلخانی\* به بررسی تأثیر اصلاحات غازی بر روند سازندگی و رونق زندگی شهری در ایران دوره ایلخانی می‌پردازد و با بررسی دامنه سازندگی در شهرهای ایران رمز فراگیری سازندگی یا به تعبیری مشارکت جامعه ایرانی در بازسازی دوباره مراکز مدنی را کاوش می‌کند.

### اصلاحات غازی و زندگی مدنی

بر پایه آنچه گفته شد، اگر چه با تشکیل حکومت ایلخانی، در سایه جهاننداری ایلخانان مغول و تکاپوی عناصر ایرانی امید تازه‌ای برای بازسازی مراکز مدنی ایران پدیدار شد، اما با وجود این کوشش انجام گرفته تا روی کار آمدن غازان (۷۰۳-۶۹۴ ه.ق) تغییر محسوس و رونق قابل ملاحظه‌ای را در حیات شهری ایران موجب نشد. بی‌تردید دامنه ویرانگری مغول به گونه‌ای بود که بازسازی ویرانی‌ها به کوششی عمومی و برخاسته از متن جامعه بستگی داشت. جوینی مورخ ایرانی تاریخ مغول و سالهای نخست حکومت ایلخانی درباره شدت فاجعه مغول می‌نویسد: «تا رستخیز اگر توالد و تناسل باشد غلبه مردم به‌عشر آنچه بوده است نخواهد رسید.» (۷ / ج ۱، ص ۷۵) نویسنده *تزهت‌القلوب* نیز در دوران انحطاط و فروپاشی قدرت ایلخانان با وجود چند دهه تکاپوی بازسازی چنین قضاوتی درباره چشم‌انداز آینده شهرهای ایران دارد و در این‌باره می‌نویسد: «و شک نیست که خرابی که در ظهور دولت مغول اتفاق افتاد و قتل‌عامی که در آن زمان رفت اگر تا هزار سال دیگر هیچ حادثه واقع نشدی هنوز تدارک‌پذیر نبودی و جهان با آن

\* - طرح پژوهشی شماره ۸۰۰۴۲۳ حوزه معاونت پژوهشی دانشگاه اصفهان

حال اول نرفتی که پیش از آن واقع بود.» (۹/ص ۲۸) بدیهی است که جبران چنین ویرانی گسترده‌ای که به نابودی کامل برخی مناطق شهری و تقریباً کشتار و تخریب در سراسر ایران انجامید با اقدامات پراکنده ایلخانان و صاحب‌منصبان ایرانی دربار ایشان امکان‌پذیر نبود و به رویشی نوین از درون جامعه بستگی داشت. رشیدالدین فضل‌الله همدانی مورخ برجسته ایرانی و وزیر و ایدئولوگ حکومت ایلخانی که نظریه‌پرداز اصلاحات غازانی نیز شناخته می‌شود، درباره ناپایداری و بی‌بنیادی اقدامات ایلخانان در بازسازی و عمران مراکز مدنی ایران می‌نویسد: «پیش از این پادشاهان مغول... هوس عمارت داشته‌اند و در آن شروع کرده، لیکن کمتر به انجام رسانیده چنانکه مشاهده رفته و هر کجا بنیادی نهادند مبالغ اموال بر آن صرف می‌شد و از ولایات وجوه تا بقور و چهارپای و آلت و مزدور می‌آوردند و خلائق را زحمات می‌رسید و اکثر تلف می‌شد و کسانی که بر سر آن می‌بودند اللیله حبلی می‌گفتند و مال از میانه می‌رفت و زیادت عمارتی میسر نمی‌شد و آن نیز که کردند بر بنیاد نبود و به اندک زمانی خراب گشت» (۱۱/ج ۲/ص ۷۰-۱۳۶۹). بی‌تردید این تعبیر رشیدالدین که در بخش مربوط به اصلاحات غازانی کتاب *جامع‌التواریخ* آمده کوششی در جهت تبیین ضرورت اصلاح نظام سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دوره ایلخانی و سامان‌دهی امور ایرانشهر به‌عنوان عاملی مهم در تسهیل روند بازسازی کشور و رونق و احیای مراکز شهری آن است. سلطان‌زاده با اشاره به ناکارآمدی و ناپایداری اقدامات ایلخانان و نجبگان ایرانی پیش از غازان علت آن را عدم اتکا بر نیروها و سرمایه‌های مردم و فقدان قوانین و مقررات کافی برای زندگی شهری بیان می‌کند (۱۲/ص ۱۱۵). اما نباید از نظر دور داشت که بی‌بنیادی امور و ناپایداری اقداماتی که در جهت سازندگی آغاز شد، ناشی از تضادها و تعارضات قومی، اجتماعی، فرهنگی، اعتقادی و معیشتی مغولان غالب و جامعه یکجانشین ایرانی بود که بروز آن در ساختار حکومت و عناصر صاحب نفوذ و قدرت، پیامدهای ناگواری داشت. بی‌تردید کمترین تأثیر فزونی عناصر صحراگرد مغول در ایران گسترش چراگاهها و مراتع و نابودی روستاها و مراکز یکجانشین ایران بود. تضاد زندگی صحراگردی و یکجانشینی در این تعارض و تفاوت معیشتی محدود نمی‌شد، بلکه در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، اعتقادی و سیاسی شکافهای بزرگی را نمودار می‌ساخت (۳/ص ۴۶۲). نجبگان ایرانی از آغاز جهاننداری مغولان در ایران در چارچوب این چالش به تکاپو برای تعدیل آسیب‌های ناشی از این تعارض در مناسبات ایلخانان با

رعایا و یا به تعبیری حکومت و جامعه پرداختند و در فرایندی تدریجی همسازی شیوه حکومتی قوم غالب با سنت‌های ملکداری ایرانی را پی گرفتند.

اسلام آوردن غازان فراتر از جنبه اعتقادی، دگرگونی سیاسی مهمی را در حکومت ایلخانی نوید می‌داد. اگر بدیهی‌ترین پیامد این رویداد پیوند معنوی ایلخان با جامعه ایرانی بود، اما نسبت مصالح ملک و منافع رعیت بر پایه فرهنگ سیاسی ایرانی و جایگزینی شریعت اسلامی و رسوم کشورداری ایرانی به جای سنت‌های یاسایی - اگر چه رهایی عناصر مغولی حتی در دوره پذیرش اسلام از سنت‌های قبیله‌ای و یاسایی دشوار به نظر می‌آمد - در عرصه زندگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی جامعه ایرانی نتایج مهمی به همراه داشت (۵/ ص ۴۶۰-۴۵۹). بنابراین اصلاحات منسوب به غازان کوششی مهم در جهت تبیین نظری تحولی بود که در فرایندی تدریجی از آغاز به وسیله نخبگان ایرانی پیگیری می‌شد. اگر چه اصلاحات غازانی که در بخش «تاریخ مبارک غازانی» از کتاب ارزشمند *جامع‌التواریخ* به تفصیل تبیین شده است، از زوایای مختلفی قابل بررسی است، اما این پژوهش به بازتاب اصلاحات غازانی در زندگی شهری و سازندگی در مراکز مدنی ایران توجه دارد. مروری کلی بر عنوان فصول مختلف اصلاحات غازانی به خوبی رویکرد جدی او را به رعیت‌پروری، بازسازی زیرساخت اقتصاد کشاورزی، سامان‌دهی امور مالی، تأمین امنیت راهها و مراکز شهری و روستایی ایران و جلوگیری از تعدی امرا و عناصر مغولی بر ایرانیان نشان می‌دهد. بی‌تردید تحقق چنین اهدافی بر پایه اصلاح ساختار حکومت ایلخانی و سازمان‌های حکومتی آن ممکن بود. بدین روی غازان در چارچوب فرامینی طرز اندیشه و طرح اصلاحات را در عرصه‌های مختلف تجویز می‌کند. اصلاحات غازانی در نهادهای مختلف سیاسی، قضایی، مالی، اداری، نظامی و حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، حقوقی و شرعی قابل تأمل است. بی‌تردید در کنار انگیزه‌های مختلف یکی از عوامل مهم اهتمام غازان به اصلاحات نسبتاً گسترده، شرایط بسیار دشواری بود که غازان در آن به قدرت رسید.

مروری بر تاریخ ایران دوره ایلخانی به‌خوبی نشان می‌دهد، ویرانی‌های ناشی از هجوم مغول، تسلط صحراگردان بیگانه بر جامعه‌ای با اقتصاد کشاورزی، بازرگانی و صنعت، ناپایداری سیاسی در دوره ایلخانی، تعدیات بی‌حد و حصر عناصر ایلی، هزینه‌های سنگین نظامی، مال‌بخشی‌های بی‌حساب ایلخانان و مخارج اردوهای خواتین و شاهزادگان، خزانه‌های گرانبهای ایلخانان را تهی ساخت و ریشه‌های پر رونق اقتصاد

ایران را خشکاند. پیروزیهای سرشار از غنایم و سرزمین‌های تازه که مدتها منبع اصلی درآمد مغولان و تأمین‌کننده هزینه‌های ایشان بود نیز پایان یافته بود. از این‌رو هنگامی که غازان بر تخت پادشاهی تکیه زد، با خزانه‌ای تهی، سرزمینی آشوب‌زده و روستاهای خالی از سکنه و شهرهای بی‌رونق روبه‌رو شد. بنا بر گفتهٔ وصاف‌الحضرة هنگام جلوس غازان به سبب تغییرات سیاسی آن سال که در مدت هشت‌ماه سه پادشاه بر تخت نشستند و دو بار در چهارسوی مملکت لشکرکشی بزرگ شد، آن‌چنان خزانهٔ سلطان خالی بود که برای هزینهٔ سپاه و دفع تجاوز جغتائیان در خراسان ناگزیر شد چند تومان زر از ملوک تبریز بگیرد (۱۹/ ص ۳۲۶). بنابراین غازان پس از تسلط بر امور کشور و کوتاه کردن دست مدعیان به سفارش و اندرز مشاوران عالی‌مرتبهٔ ایرانی تقویت بنیهٔ اقتصادی کشور و به تبع آن نیروی مالی دولت را که مایهٔ ثبات سیاسی و پایداری ملک بود، در دستور کار خود قرار داد. بی‌تردید در چنین شرایطی که ایلخانان حاکم بر ایران از سرچشمهٔ سرشار غنایم و پیروزیهای نظامی نومید شده بودند، باید بر درآمدهای داخلی تکیه می‌کردند. رونق اقتصاد داخلی کشور نیز که به کشاورزی و بازرگانی بستگی داشت، در پرتو کوشش و تلاش رعیت ممکن بود. به هر روی در شرایطی که به سبب فقر و بیچارگی رعیت و خرابی شهرها و روستاها ریشهٔ اقتصاد داخلی خشکیده و خزانهٔ ایلخان نیز خالی بود، نخبگان ایرانی فرصتی یافتند تا با بهانهٔ رهیافت حفظ قدرت، که برای فرمانروایان بیگانهٔ حاکم بر ایران حیاتی و پر جاذبه بود، ایلخان مسلمان را متوجه اصلاح امور سازند. طرح این اصل متعارف در فرهنگ سیاسی و اجتماعی ایران که پادشاهی به سپاه و سپاه به مال و مال به آبادانی و آبادانی به رعیت و رعیت به عدل و عدل به شاهی بستگی دارد (۱۷/ ج ۱، ص ۲۴۱ و ۲۶۱؛ ۱۶/ جزء اول، ج ۱، ص ۱۵۸-۱۵۷؛ ۱۰/ ص ۳۷-۳۸). می‌توانست به‌خوبی پیوند مصالح ملک و منافع رعیت را در نظر فرمانروای مغولی ایران تبیین سازد. بدین روی با چنین پنداری رعیت‌پروری در اندیشه و عمل غازان معنی یافت. رشیدالدین این پندار را با ظرافتی ویژه از زبان غازان این‌گونه بیان می‌کند: «و روزی فرمود که من جانب رعیت تأذیک نمی‌دارم اگر مصلحت است تا همه را غارت کنم، بر این کار من قادر کسی نیست به اتفاق بغارتیم لیکن اگر من بعد تغار و آتش توقع دارید و التماس نمایید با شما خطاب عنیف کنم و باید که شما اندیشه کنید که چون بر رعایا زیادتى کنید و تخم ایشان و غله‌ها بخورائید من بعد چه خواهید کرد.» (۱۱/ ج ۲، ص ۱۴۴۳).

رشیدالدین که در جامع‌التواریخ به تفصیل اصلاحات غازانی را تبیین می‌کند، در بیان ضرورت اصلاح امور کشور، وضع فلاکت‌بار و رقت‌آور رعیت ایرانی را به روشنی گزارش می‌دهد. فشارهای مالیاتی، سنگینی هزینه سپاهیان مغول که در دوران ناملایمات داخلی و لشکرکشی‌های خارجی چون طوفان بلد از شهرها و روستاهای مختلف می‌گذشتند و هستی ناچیز رعیت بیچاره را به تاراج می‌بردند و رنج و خفت ناشی از فرود ایلچیان و مأمورین مغولی به خانه‌های رعیت که به مال و ناموس رعایای ایرانی و مزارع و باغات ایشان دست درازی می‌کردند، آنچنان مشقت‌بار و دردآور بود که در پاره‌ای از شهرها و روستاها رعیت ناگزیر به رهایی خانه و کاشانه نابسامان خود می‌شد. بنابر گزارش همین نویسنده در یزد اوضاع آنچنان بود که در تمامی دیه‌ها آفریده‌ای یافت نمی‌شد و آنها که ناگزیر به ماندن شده بودند، دیده‌بانی می‌گماشتند که به محض دیدن کسی از دوردست خبر می‌داد تا ساکنان در کهریزها پنهان شوند (۱۱/ ج ۲، ص ۱۴۲۱) و «در اکثر شهرها از بیم آنکه ایلچیان را به خانه‌های ایشان فرود می‌آوردند، در خانه‌ها از زیر زمین می‌کردند و گذرهای باریک تا باشد که ایلچیان به چنان گذرگاه میل نکنند و فرود نیابند، چه هر ایلچی که به خانه کسی فرود می‌آمد، بیرون از آنکه زیلوها و جامه خواب و تمامت آلات خانه پاره و کهنه می‌کرد و اگر اندک قوتی و نفقه‌ای و همیشه‌ای جمع کرده بودی تمامت می‌ستدند و درهای خانه به جای هیمه می‌سوختند و خراب می‌کردند» (۱۱/ ج ۲، ص ۱۴۲۱). در سال ۶۹۵هـ گروهی از ایلچیان پسر امیر نوروز به خانه یکی از ائمه یزد وارد شدند و پس از غارت و ویرانگری در آن خانه زیبا که نزدیک پنجاه‌هزار دینار قیمت داشت، درهای خانه را که دو هزار دینار ارزش داشت سوختند. (۱۱/ ج ۲، ص ۱۴۲۱-۲۲) رشیدالدین پس از گزارش این رویداد می‌نویسد: «چون حال خانه‌های دستاربندی که مفتی شهر باشد و اسم قضا بر وی بر این منوال بود از آن اهالی و آحاد و رعایا قیاس توان کرد چگونه باشد» (۱۱/ ج ۲، ص ۱۴۲۲). در چنین شرایطی افزون بر این که انگیزه‌ای برای سازندگی نبود، بلکه مردم شهرهای مختلف به سبب تعدیات بی‌حد و حصر و فشارهای مالیاتی ناگزیر به ترک دیار خود می‌شدند. در قزوین کار به جایی رسیده بود که نماز جمعه در شهر برگزار نمی‌شد و شهر از جامع درآمد (۸/ ص ۶۰۴-۶۰۳؛ ۱۸/ ص ۱۳۹). داشتن جامع مهمترین نماد شهرهای ایرانی و اسلامی و تفاوت آن با روستا بود. بنابراین رعیت که بر پایه «چرخه ثبات سیاسی» در فرهنگ ایرانی یکی از ارکان مهم آبادانی و سازندگی بود،

در نگاه صحراگردان مغول هیچ قدر و منزلتی نداشت. رشیدالدین درباره ارزش رعیت در نظر حکام مغولی ایران می‌نویسد: «... کلوخ و خاشاک را در نظر حکام و غیرهم اعتبار بود و رعایا را نه، و خاشاک شوارع آن کوفتگی نمی‌یافت که رعیت غازان...» (۱۱/ج ۲، ص ۱۴۴۳).

بر پایه آنچه گفته شد مهمترین محور اصلاحات غازان تغییر نگرش فرمانروایان مغولی ایران نسبت به رعیت به‌عنوان عامل اساسی سازندگی و منبع تأمین مالی حکومت و پایه‌های قدرت آن بود. با چنین ذهنیتی اصلاحات مهم غازانی که رویکردی جدی به مهار تعدیات بسیار بر رعیت و تأمین حداقل مصالح و منافع او داشت در قالب فرامینی اعلام شد. اگر چه بررسی دامنه اعمال و اجرای این فرامین در حوزه حکومت و جامعه و همچنین قلمرو مکانی و زمانی آن قابل تأمل است، اما بی‌شک اصلاحات غازانی تأثیر مهمی بر روند سازندگی و زندگی شهری در دوره ایلخانی داشت. نویسنده *نزهت‌القلوب* که بر پایه منطق حاکم بر تفکر سیاسی نخبگان ایرانی و فرهنگ سیاسی ایرانی نسبتی ویژه بین رعیت، آبادانی و مالیات می‌شناسد، با تأکید بر معیار مالیاتی - که در انگیزه‌های اصلاحات غازانی نیز آن‌گونه که مشاهده شد، تقویت منابع مالی و درآمدی دولت اهمیت ویژه‌ای داشت - اصلاحات و عدل غازانی را می‌ستاید و می‌نویسد: «و در تمامت ایران زمین... حقوق دیوانی آن... بیرون از خراسان که آنرا سلطنت علی‌حده است و حساب آنجا در عهد مغولی داخل جمع ایران نمی‌کردند و جداگانه نوشتندی به چند نوبت که جامع‌الحساب ممالک نوشتیم تا اول عهد غازان خان تمغده الله بغفرانه، یک‌هزار و هفتصد و چند تومان بوده و بعد از آن به سبب عدل غازان خان که ولایات روی به آبادانی نهاده بود به مبلغ دو هزار و صد تومان و کسر می‌رسید...» (۹ / ص ۲۷-۲۸). بدین روی نویسنده *نزهت‌القلوب* بر پایه معیار مالیاتی و حقوق دیوانی ایالات و شهرهای ایران تغییر مهم در روند بازسازی ایران و آبادانی و عمارت مراکز مدنی و روستایی آن را تبیین می‌کند.

### دامنه فعالیت‌های عمرانی و آبادانی در دوره سلطنت غازان

آن‌گونه که اشاره شد اصلاحات غازانی زمینه مناسبی برای عمران و آبادانی در قلمرو ایلخانی فراهم ساخت. بی‌تردید مهمترین ویژگی جریان بازسازی و آبادانی پس از اصلاحات غازان حضور و نقش رعیت در سازندگی و بنای خانه‌ها، بازارها، مساجد و

اماکن عمومی دیگر بود اگر چه در دوره غازان ایلخان و نخبگان ایرانی اقدامات گسترده‌ای را در زمینه بازسازی مراکز مدنی ایران و بنیاد بناهای عام‌المنفعه آغاز کردند، فراگیری سازندگی در کل جامعه ایرانی موجب تغییری محسوس در اوضاع شهرهای ایران در دوره کوتاه سلطنت غازان شد. رشیدالدین درباره دامنه فعالیت‌های عمرانی و آبادانی در دوره غازان می‌نویسد: «و عمارت بی‌اندازه در اکثر ولایات ساخته و می‌سازد و انهار و کهریزها جاری می‌گرداند و اگر در تفصیل آن شروع رود به تطویل انجامد و آنچه فرموده تا به موجب حکم یرلیغ شرطنامه به شرکت وکلای دیوان خالصجات احیا و عمارت کنند آن را نهایت نیست و در عهد مبارک او به واسطه عدل شاملش هزاران هزار آدمی به مشارکت ایشان به عمارت مشغول‌اند و آنچه جهت خود می‌کنند صد چندان باشد و هر خانه و باغ که پیش از این به عدد جماعتی که در این زمان عمارت می‌کنند خرابی می‌کردند و عمارتی که این زمان در ممالک می‌کنند بعد از عهد اکاسره در عهد هیچ پادشاهی نکرده‌اند و عجب اگر در روزگار اکاسره نیز این مقدار خلق به عمارت مشغول بوده باشند، چه در آن وقت هر چند ممالک معمور تمام بود، لیکن آن را به سالهای بسیار عمارت کرده بودند، و نیز چون در آن وقت مانند این خرابی نبوده به کدام عمارت مشغول بودندی» (۱۱/ ج ۲، ص ۱۳۷۲). چنین است که رشیدالدین ضمن اشاره به دامنه وسیع ویرانی‌های دوره مغول در مضمون روایت خود، به‌خوبی دامنه گسترده فعالیت‌های عمرانی و آبادانی در شهرهای مختلف ایران را که با حضور و مشارکت مردم جبران یافته بود، گزارش می‌کند. در پرتو فراگیری سازندگی در ایران بسیاری از شهرهای ویران و بی‌رونق دوره ایلخانی آبادانی و پویایی اقتصادی و اجتماعی تازه‌ای یافتند. قیمت زمین افزایش یافت و بهای خانه ده برابر ترقی کرد (۱۱/ ج ۲، ص ۱۳۷۲؛ ۱۲/ ص ۱۱۶). اگر چه مهمترین عامل رونق دوباره زندگی شهری و سازندگی در شهرهای ایران به مشارکت عمومی جامعه بستگی داشت و در پرتو امنیت و آرامش و ثباتی که به‌وجود آمد، ثروتهای نهفته در جهت سازندگی و رونق سر برآوردند؛ اما غازان و نخبگان ایرانی نیز اقدامات گسترده‌ای در جهت سازندگی آغاز کردند. بدیهی است که اقدامات غازان و صاحب‌منصبان ایلخانی بیشتر در جهت احیای زیرساخت‌های زندگی اجتماعی و اقتصادی و احیای دوباره فعالیت‌های فرهنگی، بازرگانی و کشاورزی انجام گرفت. احداث مساجد و حمام‌ها، بنیادهای مهم فرهنگی و اجتماعی عام‌المنفعه، حفر نهر و قنوات و پایه‌گذاری شهرهای جدید و بازسازی بارو و

مراکز مهم شهری از جمله اقدامات مؤثری بود که در این دوره انجام گرفت. شاید در کنار غازان شخصیت برجسته‌ای که نقش مهمی در سازندگی در دوره ایلخانی ایفا کرد، خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی بود. همان‌گونه که پیش‌تر نیز اشاره شد او ایدئولوگ حکومت ایلخانی و نظریه‌پرداز اصلاحات غازانی بود. بی‌تردید بنای شهرک علمی و فرهنگی «ربع رشیدی» که کانون اجتماعی و اقتصادی مهمی در کنار دارالملک تبریز بود، از شاهکارهای مهم شهرسازی و بنیادهای مهم اجتماعی و فرهنگی تاریخ ایران باشد که با مدیریت رشیدالدین به انجام رسید. بی‌تردید دامنه گسترده اقدامات رشیدالدین در دوره سلطنت غازان (۷۰۳-۶۹۴ هـ) اولجایتو (۷۱۶-۷۰۳ هـ) و ابوسعید (۷۳۶-۷۱۶ هـ) به اندازه‌ای است که پرداختن بدان خارج از حوزه موضوعی این مقاله است و آنچه که مربوط به دوران غازان است نیز خود فصلی مستقل و پژوهشی ویژه را می‌طلبد. از این‌رو در این مقاله ضمن محور قرار گرفتن اقدامات غازان همواره باید به‌خاطر داشت که نمی‌توان نقش اندیشه و بینش رشیدالدین را در جهتگیری اصلاحی و عمرانی دوران سلطنت غازان نادیده انگاشت. رشیدالدین علاوه بر اینکه تبیین‌کننده تاریخ ایلخانی به‌ویژه دوران طلایی غازان است، طراح و ایده‌پرداز اقدامات اساسی حکومت ایلخانی در این دوره نیز به‌شمار می‌آید. رشیدالدین در بازتاب اقدامات عمرانی و سازندگی دوران غازان، در پی انتقاد از شیوه ایلخانان گذشته، به ضرورت مدیریت سازمان‌یافته بازسازی در چارچوب مقررات و قواعدی منطقی می‌پردازد، به‌گونه‌ای که به نظر می‌رسد سازندگی در چارچوب سازمانی مشخص در دوره غازان پیگیری می‌شد. بر پایه گزارش او بر سر هر عمارتی خواجه‌ای معتمد منصوب می‌گردید و وجوه عمارت تحویل او می‌شد و با به‌کارگیری خواجهگان معتبر و دبیران درستکار و معماران ماهر کوشش و دقت ویژه‌ای در کاهش هزینه‌های بنا و کیفیت آن به‌عمل می‌آمد (۱۱/ ج ۲، ص ۷۱-۱۳۷۰). چنین است که می‌توان گفت در دوره سلطنت غازان افزون بر فراگیری جریان سازندگی در جامعه، دامنه وسیعی از فعالیت‌های عمرانی سلطنتی که مبتنی بر منابع مالی حکومت بود، تحت مدیریتی سازمان‌یافته انجام می‌گرفت.

رشیدالدین ممدوح خود غازان را در *جامع‌التواریخ* به‌عنوان پادشاهی خردمند که گرایش به سازندگی چون صفت ذاتی او بود، می‌ستاید. بر پایه گزارش همین نویسنده گرایش به عمران در ایلخان مسلمان مغول به پیش از سلطنت او باز می‌گردد. غازان از

هنگامی که در خراسان امارت می‌کرد، به سازندگی متمایل بود. در دوره‌ای که او اعتقاد بودایی داشت، در خبوشان (قوچان امروزی) که تجدید عمارت آن پس از حمله مغول به نیای او هلاکو باز می‌گردد (۷ / ج ۳، ص ۱۰۵)، بتخانه‌های معتبری ساخت (۱۱ / ج ۲، ص ۱۳۳۲). اما پس از ورود به اسلام علاوه بر اینکه به دستور او معابد و بتخانه‌های بودایی ویران و کلیساها و کنیسه‌ها و دیرهای عیسویان و مجوسان غارت شد (۱۱ / ج ۲، ص ۱۲۵۹؛ ۱ / ص ۱۹۷)، ایلخان اهتمام ویژه‌ای به احداث و بازسازی اماکن اسلامی از خود نشان داد. بر پایه حکایت بیست و هشتم «در فنون کمالات و...» که در تاریخ مبارک غازی آمده به دستور سلطان مقرر شد در تمامی دیه‌ها و آبادیهای ایران مسجد و حمام بنا کنند، زیرا نبودن مسجد و حمام موجب «خللی در مسلمانی ایشان بود» (۱۱ / ج ۲، ص ۱۵۰۲). احتمالاً ویرانی مساجد و حمام‌ها در ایالات ایران مربوط به دوران بودایی‌گری و رونق کار یهودیان است (۵ / ج ۲، ص ۴۶۳). بدین روی و به قرب دو سال «در تمامت ممالک هر کجا نبود بساختند» (۱۱ / ج ۲، ص ۱۵۰۲). همچنین غازان به سادات و مشایخ نیز ارادت ویژه‌ای نشان می‌داد. رشیدالدین در این باره می‌نویسد: «و جماعت سادات و ائمه و مشایخ را نواخت فرمود و ادارات و صدقات داد و در باب عمارت مساجد و خانقاهها و ابواب البر احکام به مبالغت اصدار فرمود و چون ماه رمضان درآمد با جمعی ائمه و مشایخ به طاعت و عبادت مشغول گشت» (۱۱ / ج ۲، ص ۱۲۵۵-۵۶). بر پایه گزارش همین نویسنده در جاهای مختلف خانقاه، مدارس، مساجد و دیگر ابراب البر بنیاد نهاد و در ولایت همدان در حدود سفیدکوه در دیهی خانقاه معتبری ساخت و املاک بسیاری بر آنجا وقف کرد (۱۱ / ج ۲، ص ۸۵-۱۳۸۴).

پس از احداث بناهای بسیار مذهبی، چون خانقاه، مسجد و غیره و تعیین موقوفات بر آنها به دستور غازان در شهرهای مختلف ایران چون تبریز، اصفهان، شیراز و بغداد و دیگر شهرها دارالسیاده‌ها ساختند و جهت مصالح دارالسیاده‌ها وجوهی به موجب وقف‌نامه معین نمود (۱۱ / ج ۲، ص ۱۳۵۹ و ۱۳۸۵؛ ۱۴ / ص ۹۴-۹۳؛ ۵ / ج ۲، ص ۶۴۸).

### تبریز و شنب غازی

پس از مراغه نخستین پایتخت ایلخانان که در آغاز حکومت ایلخانی رونق ویژه یافت و بغداد که در پرتو توجه خاندان جوینی اعتبار گرفت، تبریز پایتخت حکومت ایلخانی مهمترین شهر ایران بود که توجه ایلخانان را به خود جلب نمود و به پایتخت برگزیده شد.

تبریز پایتخت حکومت ایلخانی در دوره سلطنت غازان رونق و شکوهی چشمگیر یافت. این شهر علاوه بر اینکه به سبب پایتختی از اهمیت اداری و سیاسی ویژه‌ای برخوردار بود، با گسترش مبادلات بازرگانی داخلی و خارجی به یکی از شهرهای مهم بازرگانی ایران و از کانونهای اقتصادی دوره ایلخانی تبدیل شد. عبور شاهراه تجاری که از آسیای صغیر تا خلیج فارس ادامه می‌یافت (۱۱۵/ص ۵۷؛ ۲۰/ص ۲۱)، موقع تجاری ویژه‌ای به تبریز بخشید، به گونه‌ای که با حضور بازرگانان خارجی پایتخت ایلخانی یک شهر جهانی شد (۲۰/ص ۲۱). بدین روی تبریز در دوره سلطنت غازان گسترش قابل ملاحظه‌ای یافت، به گونه‌ای که بر پایه روایت رشیدالدین چند هزار خانه در بیرون باروی قدیمی شهر که فرسوده شده بود، بنا گردید و به همین سبب غازان دستور به ساخت باروی جدید شهر داد و به سبب دوراندیشی غازان و چشم‌انداز توسعه و گسترش شهر تبریز باروی جدید در پیرامون باغات و اراضی آباد شهر بنا شد. زیرا آهنگ توسعه شهر تبریز به گونه‌ای بود که پیش‌بینی احداث خانه‌های جدید ضروری به نظر می‌رسید. به روایت رشیدالدین غازان چنین می‌پنداشت که در برخی شهرهای بزرگ و پر رونق گذشته به سبب افزایش جمعیت و تنگی جا «دو سه طبقه عمارت بر هم می‌نهند و کوچه‌ها تنگ و بلنددیوار می‌شود و هوا متعفن، بدان سبب وبا ظاهر می‌گردد و رنجوریهای متنوع بادید می‌آید و دیگر بار خراب می‌شود.» (۱۱/ج ۲، ص ۱۳۷۳). بدین روی باروی شهر تبریز در پیرامون باغات شهر با مشارکت گروههای مختلف بنا شد (۱۱/ج ۲، ص ۱۳۷۳). پس از بنای باروی شهر در چهار دروازه شهر تبریز چهار بازار، کاروانسرا و حمام بنا گردید (۱۱/ج ۲، ص ۷۴-۱۳۷۳). بازار تبریز در دوره غازان آن‌چنان بازسازی شد که ابن بطوطه سیاح مسلمانی که در سده هشتم هجری و هنگام افول قدرت ایلخانان از آن بازدید نمود درباره بازار غازان در تبریز می‌نویسد: «... به شهر تبریز وارد شدیم و به بازار بزرگی که بازار غازان نامیده شد رسیدیم و آن از بهترین بازارهایی بود که من در همه شهرهای دنیا دیده‌ام.» (۲/ج ۱، ص ۲۸۴).

اقدام مهم دیگر غازان طرح بنای شهرکی به نام «غازانیه» یا «شعب غازانی» و یا «شام غازانی» در حاشیه غربی تبریز بود که به قول رشیدالدین به شهری بزرگتر از تبریز قدیم تبدیل گردید (۱۱/ج ۲، ص ۱۳۷۴). در غازانیه نیز سلطان مغول ابواب البر و مستحذات مهمی به وجود آورد. از جمله احداث گنبد و بنایی برای آرامگاه ابدی سلطان اقدامی تازه و مغایر با سنت‌های مغولی بود. زیرا مغولان پیشتر مقابر شاهزادگان

و خوانین را پنهان می‌ساختند (۱۱/ ج ۲، ص ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۶). و به قول حمدالله مستوفی «در تخمه پادشاهان مغول پیش از او هیچ پادشاه را گور آشکار نبود.» (۸/ ص ۶۰۶). بی‌تردید این رویداد، تحول نگرش صحراگردی به یکجانشینی را در بینش و اندیشه غازان، در پرتو گرایش او به اسلام نشان می‌دهد. اگر چه رهایی از خوی صحراگردی برای مغولان با این سرعت بسیار دشوار به نظر می‌رسید. رشیدالدین این اقدام غازان را متأثر از اسلام‌پذیری او و مشاهد و مقابر علی بن موسی الرضا<sup>(ع)</sup> و شیوخ و متصوفه می‌داند و درباره عظمت بنای آن می‌نویسد: «... و از گنبد سلطان سنجر سلجوقی به مرو که معظم‌ترین عمارات عالم است و دیده بود بسیار با عظمت‌تر بنیاد نهاده و طرح آن بقعه شریفه بر این موجب است که اثبات می‌باید» (۱۱/ ج ۲، ص ۱۳۷۶). مقبره غازان دارای موقوفات مهمی بود. ابن بطوطه در این باره می‌نویسد:

«قبر غازان پادشاه عراق در این محل است بر سر قبر او مدرسه زیبایی با زاویه‌ای بنا کرده‌اند و در این زاویه برای صادر و وارد طعام داده می‌شود. غذای آن عبارت است از نان و گوشت و حلوا و برنجی که با روغن پخته می‌شود (۲/ ج ۱، ص ۲۸۳). علاقه‌مندی غازان به احداث مجموعه شام غازانی به‌ویژه بنای مقبره او به‌حدی بود که سلطان بر نحوه کار معماران و سازندگان آن نظارت می‌کرد و در پاره‌ای موارد اندیشه و طرح‌های راهگشا ارائه می‌کرد (۱۱/ ج ۲، ص ۱۳۷۶).

### عمران و آبادانی در عراق عرب

عراق یا به تعبیر نویسنده نزهت‌القلوب «دل ایرانشهر» (۹/ ص ۲۹) که تختگاه پیشین خلفای عباسی و پادشاهان باستانی ایران بود، در دوره ایلخانی از ایالات مهمی بود که در آغاز در پرتو توجه خاندان جوینی و در دوران امارت عطاملک جوینی، کوشش‌های مؤثری در جهت آبادانی و عمران آن انجام گرفت. غازان نیز توجه ویژه‌ای به این ایالت به‌خصوص بغداد و شهرها و مراکز مهم مذهبی آن داشت. این توجه در گزارش سفرهای مختلف غازان به بغداد و مراکز زیارتی و مذهبی عراق عرب مشهود است. در دوره سلطنت غازان در جهت آبادی شهر بغداد و ترمیم ویرانی‌ها و ساختن بناهای جدید و ترمیم فناها و نهرها کوشش مهمی انجام گرفت (۶/ ص ۲۶۹). بنابراین بغداد در دوره سلطنت غازان رونق ویژه‌ای یافت. ایجاد دو نهر موسوم به غازانی از جمله اقدامات مهم دیگر او در این ایالت بود. نهر غازانی اعلی در ولایت شیعه‌نشین حله حفر

شد و آب فرات را به مشهد امام حسین<sup>(ع)</sup> می‌رساند و دشت کربلا را با آب فرات سیراب می‌کرد و تمامی باغات و مزارع پیرامون آنرا مشروب می‌ساخت. به قول رشیدالدین این نهر آنچنان مهم بود که افزون بر تأمین آب مورد نیاز دسترسی کشتی‌های بغداد را از طریق فرات و دجله به کربلا و مشهد امام حسین<sup>(ع)</sup> ممکن می‌ساخت. بدین روی سادات آن منطقه که پیشتر فقیر بودند، پس از این اقدام بسیار مرفه شدند (۱۱/ ج ۲، ص ۱۳۷۱). نهر دیگری نیز به نام نهر غازانی سفلی از فرات به جانب بیابان‌های پیرامون مشهد ابوالوفا کشیده شد و موجب آبادانی آن گردید. در این مشهد علاوه بر نهرهای جاری و مشروب ساختن باغات و بستانها برای تأمین امنیت آن در برابر اعراب یاغی مجاور بارویی ساخت و حمام و عماراتی جدید ساختند که به قول رشیدالدین به زودی آن مشهد نیز ممکن است شهر شود (۱۱/ ج ۲، ص ۱۳۷۲). بدین روی اقدامات غازان در عراق عرب از نمونه کوششهای او در جهت احیای زیرساخت اقتصاد کشاورزی و حیات شهری در ایران به‌شمار می‌آید.

### اقدامات غازان در دیگر شهرهای ایران

احداث مجموعه مهمی در اوجان (از شهرهای آذربایجان) که شامل کوشک‌ها و عمارات و تختگاه سلطنتی و حمام‌ها و بارو و برج‌های عالی بود، نیز از طرح‌های دیگر شهرسازی دوره غازان است که به «اسلام اوجان» معروف گردید (۱۱/ ج ۲، ص ۴-۱۳۰۳). از دیگر اقدامات مهم دوران سلطنت غازان در شهرهای ایران اصلاح گنبد رصدخانه مراغه و احداث و بازسازی دیوار بلند و خندق پیرامون شهر شیراز بود (۲۰/ ص ۱۹-۲۰).

### نتیجه

بر پایه آنچه گفته شد غازان - سلطان مسلمان مغول - در پی دوره‌ای پر کشمکش به سلطنت رسید. پیروزی او بر رقبای مغولی غیر مسلمان به مفهوم برتری جریان ایرانی و اسلامی و تحولی مهم در حکومت ایلخانی بود که پیوند معنوی فرمانروای بیگانه با جامعه ایرانی را نشان می‌داد. اصلاحات غازانی در واقع تبیین نظری و عملی این تحول مهم و پاسخ به ضرورت‌هایی بود که با رویکرد «رهیافت حفظ قدرت» ایلخان مغول در آغاز کار با آن روبه‌رو بود. به هر روی در دوره غازان در پرتو اصلاحات پردامنه او در

عرصه‌های مختلف زمینه اعتماد و امیدواری جامعه ایرانی و نقش آفرینی او در سازندگی فراهم شد. با فراگیری سازندگی زمینه زندگی شهری در ایران رونق دوباره‌ای یافت. افزون بر تکاپوی گسترده مردم مناطق مختلف ایران در جهت سازندگی ایلخان مغول و نخبگان ایرانی و صاحب‌منصبان حکومتی به‌خصوص خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی نیز اهتمام ویژه‌ای در زمینه بازسازی شهرها و بناهای عمومی نشان دادند. تبریز پایتخت ایلخانی به شهری جهانی تبدیل شد. زیرساخت‌های مهم اقتصادی، بازرگانی و کشاورزی در پاره‌ای نواحی شهری ایران بازسازی شد و اقتصاد شهری رونقی دوباره یافت. بنیادهای تازه شهری غازان مانند شنب غازی در حاشیه تبریز و «اسلام اوجان» در ازان نمونه‌های قابل ستایشی از شهرسازی و اجرای طرح‌های بزرگ عمرانی دوره ایلخانی به‌شمار می‌آیند. زمینه‌های پدید آمده در دوره غازی چشم‌انداز امیدبخشی را در جهت شکوفایی زندگی مدنی در تاریخ ایران پدید آورد، اما این شرایط دیری نپایید و از دوره نواده او ابوسعید بهادرخان حکومت ایلخانی در سراشیبه زوال قرار گرفت و کمتر از سه دهه پس از مرگ غازان در سال ۷۳۶ هـ دچار فروپاشی شد.

## منابع

- ۱- آیتی، عبدالمحمد. *تحریر تاریخ و صاف*، چاپ دوم، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه)، تهران، ۱۳۷۲.
- ۲- ابن بطوطه. *سفرنامه*، ترجمه دکتر علی موحد، چاپ پنجم، جلد اول، آگاه، تهران، ۱۳۷۰.
- ۳- بویل، جی، آ (گردآورنده). *تاریخ ایران کمبریج از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان*، ج ۵، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۶.
- ۴- بیانی، شیرین. *دین و دولت در ایران عهد مغول*، جلد اول، *از تشکیل حکومت منطقه‌ای مغولان تا تشکیل حکومت ایلخانی*، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۷.
- ۵- بیانی، شیرین. *دین و دولت در ایران عهد مغول*، جلد دوم، *حکومت ایلخانی؛ نبرد میان دو فرهنگ*، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۱.
- ۶- بیانی، شیرین. *تیسفون و بغداد در گذر تاریخ*، جامی، تهران، ۱۳۷۷.
- ۷- جوینی، علاءالدین عطاملک. *تاریخ جهانگشا*، به سعی و اهتمام و تصحیح محمدبن عبدالوهاب قزوینی، جلد اول و سوم، چاپ چهارم، ارغوان، تهران، ۱۳۷۰.

- ۸- حمدالله مستوفی قزوینی. *تاریخ گزیده*، به اهتمام دکتر عبدالحسین نوایی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲.
- ۹- حمدالله مستوفی قزوینی. *نزهت القلوب*، با مقابله و حواشی محمد دبیرسیاقی، کتابخانه طهوری، تهران، ۱۳۶۳.
- ۱۰- خواندمیر، *مآثرالملوک*، با ضمیمه خلاصه‌ال‌اخبار و قانون همایونی، به تصحیح میرهاشم محدث، مؤسسه فرهنگی رسا، تهران، ۱۳۸۲.
- ۱۱- رشیدالدین فضل‌الله همدانی. *جامع‌التواریخ*، به تصحیح و تحشیه محمد روشن و مصطفی موسوی، جلد اول و دوم، البرز، تهران، ۱۳۷۳.
- ۱۲- سلطان‌زاده، حسین. *مقدمه‌ای بر تاریخ شهرنشینی در ایران*، چاپ سوم، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۷.
- ۱۳- طباطبایی، سید جواد. *درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران*، چاپ سوم، کویر، تهران، ۱۳۷۴.
- ۱۴- القاشانی، ابوالقاسم عبدالله بن محمد. *تاریخ اولجاتو، تاریخ پادشاه سعید غیاث‌الدین والدین اولجاتو سلطان محمد طیب‌الله مرقده*، به اهتمام مهین همبلی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۸.
- ۱۵- گابریل، آلفونس. *تحقیقات جغرافیایی راجع به ایران*، ترجمه فتحعلی خواجه‌نوری، تصحیح دکتر هومان خواجه‌نوری، ابن‌سینا، تهران، ۱۳۴۸.
- ۱۶- محمدبن هندوشاه نخجوانی. *دستورالکاتب فی تعیین‌المراتب*، متن علمی و انتقادی با خدمات و فهرستها و اهتمام و تصحیح عبدالکریم علی اوغلی علی‌زاده، جزء اول از جلد یکم، مسکو، ۱۹۶۲ م.
- ۱۷- مسعودی، ابوالحسن علی‌بن حسین. *مروج‌الذهب*. ترجمه ابوالقاسم پاینده، جلد اول، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۴.
- ۱۸- معین‌الدین نطنزی. *منتخب‌التواریخ*، به تصحیح ژان اوین، کتابفروشی خیام، تهران، ۱۳۳۶.
- ۱۹- وصاف‌الحضره، فضل‌الله بن عبدالله شیرازی. *تاریخ و صاف‌الحضره در احوال سلاطین مغول*، به اهتمام محمد مهدی اصفهانی، کتابخانه ابن‌سینا، تهران، ۱۳۳۸.
- ۲۰- ویلبر، دونالد. *معماری اسلامی در دوره ایلخانان*، ترجمه عبدالله فریار، چاپ دوم، علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۵.